

مدیریت اقتصاد سیاسی

از دیدگاه اسلام

علیرضا عباسی فرید

سرسناسه	:	عباسی فرید، علیرضا، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور	:	مدیریت اقتصاد سیاسی از دیدگاه اسلام/ علیرضا عباسی فرید.
مشخصات نشر	:	تهران: آموزشی تألیفی ارشدان: سنجش و دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۶ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۹۵-۶۴۳-۲
وضعیت فهرست نویسی:	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۵۳.
موضوع	:	اسلام و اقتصاد
موضوع	:	Islam -- Economic aspects
موضوع	:	اقتصاد -- مدیریت
موضوع	:	Economics -- Management
موضوع	:	اقتصاد بین الملل
موضوع	:	International economic relations
رده بندی کنگره	:	RP۲۲۰۴۳
رده بندی دیویی	:	۳۳۰/۱۰۳۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۰۰۶۹۷۸



مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان

مدیریت اقتصاد سیاسی از دیدگاه اسلام

علیرضا عباسی فرید

آموزشی تألیفی ارشدان

اول

اول ۱۳۹۸

www.irantypist.com

www.irantypist.com

۹۷۸-۶۰۰-۹۹۵-۶۴۳-۲

۱۰۰۰

www.arshadan.com

www.arshadan.net

۰۲۱۴۷۶۲۵۵

۲۵۰۰۰ تومان

■ نام کتاب:

■ تألیف:

■ ناشر:

■ ویرایش:

■ نوبت چاپ:

■ حروفچینی و صفحه آرایی:

■ طراحی و گرافیک:

■ شابک:

■ شمارگان:

■ مرکز خرید آنلاین:

■ مرکز پخش و توزیع:

■ قیمت:

چگونه امور سیاسی بر برون دادهای اقتصادی تأثیر می‌گذارد؟ این پرسش شاید از همان زمان که مردم به علم اقتصاد علاقه پیدا کردند، مطرح بوده است. از هنگام انتشار کتاب «ثروت ملل» آدام اسمیت در ۱۷۷۶ (یا شاید حتی پیش‌تر، از زمان فیزیوکرات‌ها) تا دست کم انتشار کتاب «اصول اقتصاد سیاسی» جان استوارت میل در ۱۸۴۸، آنچه اینک «علم اقتصاد» می‌نامیم، در واقع معمولاً «اقتصاد سیاسی» نامیده می‌شد.

به کار بردن این واژه تا اندازه زیادی بر اندیشه جدایی‌ناپذیری علم اقتصاد از علم سیاست دلالت داشت. در پیدایش این باور، تئوری فراتر از طبقه‌بندی رسمی رشته‌های دانشگاهی مطرح بود و از این دیدگاه فراگیر ناشی می‌شد که عوامل سیاسی در تعیین نتایج اقتصادی بسیار اهمیت دارند؛ بنابراین از جنبه تاریخی، علم اقتصاد، عنوان یک رشته دانشگاهی، نه تنها نیروهای سیاسی را بر برون دادهای اقتصادی تأثیرگذار می‌دست، بلکه اغلب آن‌ها را به عنوان عامل تأثیرگذار تعیین‌کننده می‌نگریست.

با تفکیک علوم اقتصادی و علوم سیاسی به صورت رشته‌های متفاوت دانشگاهی، توجه به عوامل سیاسی و نهادی تأثیرگذار بر برون دادهای اقتصادی، در میان اقتصاددانان به فراموشی سپرده شد. از مهم‌ترین انگیزه‌ها برای این جداسازی، می‌توان اشتیاق به پیشرفت روش‌شناختی و نیز ایجاد مبنایی دقیق‌تر جهت تجزیه و تحلیل اقتصادی را نام برد.

با بسط و گسترش اقتصاد نئوکلاسیک که بر بهینه‌یابی مصرف‌کنندگان و بنگاه‌ها با توجه به محدودیت‌هایی کاملاً مشخص و در یک محیط بازاری تأکید داشت، آن دسته از عوامل سیاسی را که به سختی تحت نظام و قاعده درمی‌آمدند، عمداً کم اهمیت جلوه می‌داد. در جریان تکامل اقتصاد نئوکلاسیک، آن دسته از عوامل تعیین‌کننده برون دادهای اقتصادی که در چارچوب تئوری انتخاب

به آسانی قابل صورت‌بندی بودند، مورد تأکید قرار گرفته و سایر عوامل فاقد این ویژگی، عمدتاً به قلمروی سایر رشته‌های دانشگاهی احاله داده می‌شدند.

از این رو برای هر کسی که منحصرأ در اقتصاد نئوکلاسیک جدید آموزش دیده باشد، علاقه به این پرسش که چگونه امور سیاسی بر برون‌دادهای اقتصادی تأثیر می‌گذارد به نظر جدید می‌آید، حال آنکه در واقع این طور نیست. کسی شاید بخواهد با سبک‌سنگین کردن عباراتی از قبیل «علاقه زاید‌الوصف» یا «جریان سیل‌آسای کارهای اخیر» که برای پژوهشهای جاری در اقتصاد سیاسی به کار می‌برد، زمینه این علاقه را به خاطر بسپارد. با این اوصاف، با نگاهی به آنچه در چند سال گذشته اتفاق افتاده است، چنین عباراتی کاملاً درست هستند. واقعاً در سالهای اخیر شاهد رشد فزاینده تعداد مقالات، کتاب‌ها و مجله‌ای که تأثیر امور سیاسی را بر برون‌دادهای اقتصادی بررسی می‌کنند.

نشریات معتبر با مقالاتی در باب «اقتصاد سیاسی» پدیده‌های مختلف اقتصادی پر شده‌اند، نشریات تخصصی به راه افتاده‌اند و صرف‌نظر از همایشهای بی‌شماری که منحصرأ به اقتصاد سیاسی اختصاص یافته‌اند، معمولاً همایشهای مربوط به موضوعات مشخص اقتصادی، دست کم یک مقاله درباره ابعاد سیاسی آن موضوع دارند.

خلاصه اینکه به نظر توجیه‌پذیر می‌آید که از «اقتصاد سیاسی جدید» به عنوان یک حوزه مهم پژوهشی در جریان سخن بگوییم و نتیجه بگیریم این جریان یک تاب زود گذر نیست، بلکه حوزه‌ای تحلیلی است که با هدف ماندگار شدن آمده است. خلاصه اینکه اقتصاد سیاسی از آن دسته موضوعات ویژه است که کاملاً قدیمی و کهنه و در عین حال کاملاً جوان و تازه به نظر می‌رسد.

اما «اقتصاد سیاسی جدید» صرفاً رستاخیزی از یک رویکرد قدیمی‌تر به اقتصاد نیست. اگر چه اقتصاد سیاسی جدید با دلبستگی قوی به این پرسش که چگونه امور سیاسی بر برون‌دادهای اقتصادی تأثیر می‌گذارد توصیف می‌شود، اما براساس رویکرد خاصی که در پاسخ به پرسش فوق به کار می‌گیرد، تعریف می‌شود.

اقتصاد سیاسی عبارتست از علم قوانین تولید و توزیع نعمات مادی در مراحل مختلف تکامل جامعه انسانی. به تدریج با رشد جامعه و مناسبات اجتماعی و اقتصادی اهمیت علم اقتصاد نیز بیشتر شد. مشخصاً این شاخه از علم اقتصاد تا حد زیادی با استفاده آن از ابزارهای صوری و تکنیکی تحلیل اقتصادی مدرن مشخص می‌گردد که به اهمیت داشتن امور سیاسی برای علم اقتصاد توجه می‌نماید. تحلیل اقتصادی مدرن نه فقط در فحوای رسمی از رویکرد ریاضی استفاده می‌کند، بلکه جنبه مفهومی نیز دارد؛ به طوری که پدیده‌های سیاسی بر حسب بهینه‌یابی، انگیزه‌ها، محدودیت‌ها و غیره نگاه می‌کند. بنابراین آنچه واقعاً اقتصاد سیاسی جدید را متمایز می‌سازد، پیش از آنکه به حجم و تفصیل کارهای انجام‌شده ارتباط پیدا کند، به نوع پژوهش انجام شده مربوط می‌شود.

برخی اوقات تکنیک صرفی به کار می‌رود، اینکه درک ما را نسبت به پدیده‌ها ارتقا دهد، فضا را غبارآلود می‌کند و برخی اوقات ظاهراً حایزین ارزش ما در مورد پدیده تحت بررسی می‌شود. جدید بودن نسبی اقتصاد سیاسی در قالب کنونی آن، این شکل را حادثر ساخته و باعث شده است برخی افراد به این ذهنیت به نظر من نادرست هدایت شوند که اقتصاد سیاسی جدید، صرفاً یک قالب‌بندی (نه چندان بینشمند) از بدیهیات است. به علاوه پژوهشهای اخیر از حیث بیش از حد گسترده بودن و تلاش برای پوشش دادن هر چیزی با درجات کاملاً متغیری، در موفقیت، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف اقتصاد سیاسی جدید، از نیاز به بنیادی سازمان یافته‌تر حکایت دارد. در این کتاب تلاش شده است علاوه بر مرور مطالعات اخیر در زمینه اقتصاد سیاسی در بستر اقتصاد کلان، به سازماندهی آن‌ها پرداخته شود. از این جهت رویکرد به گونه‌ای رویکردی بین رویکرد کتاب درسی و تک‌نگاری است.

منظور اینکه در تلاش برای هدایت خواننده از میان جنگل انبوه، نه فقط کارهایی انجام‌شده موجود را خلاصه، سازماندهی و نقد کرده‌ام، بلکه شبیه یک تک‌نگاری، نگاه بسیار ویژه‌ای از این حوزه ارائه داده‌ام. من دلیل می‌آورم که ناهمگونی و تضاد منافع برای اقتصاد سیاسی بسیار ضروری بوده

و باید اصل سازماندهنده این حوزه باشد. اما چه خواننده با این منظر موافق باشد و چه نباشد، باید برخورد سازمان‌یافته در این حوزه را بسیار مفید بیابد.

و من الله توفیق

www.ketab.ir

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول: اقتصاد سیاسی	۱۱
فصل دوم: نظریه های اقتصاد سیاسی	۳۵
فصل سوم: مدیریت اقتصاد سیاسی	۵۷
فصل چهارم: اقتصاد سیاسی بین الملل	۷۳
فصل پنجم: اقتصاد سیاسی در اسلام	۹۵
فصل ششم: مقایسه اقتصاد سیاسی در اسلام، سایر ادیان یا مکاتب	۱۲۱
منابع و مأخذ	۱۵۳